

شرح و تفسیر و مقایسه

نقوش

جام افسانه زندگی

با هنر دنیای باستان

چنانچه از نظر ساخت و تنظیم صحنه این جام مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد و با جامهای تزئینی دیگر مکشوفه در مارلیک مقایسه شود، میتوان اظهار نمود که این جام در زمره جامهای تزئینی قرار می گیرد، که از نظر صحنه های متنوع و مختلف، از غنای خاصی برخوردار هستند.

ردیف اول و یا پایین ترین قسمت، نقش صحنه ای است شامل بزکوهی جوانی که تازه بدنیا آمده و در حال شیرخوردن از پستان مادر نمایش داده شده است. مادر سرخود را بازگردانیده و در حال نوازش پشت بز جوان میباشد. موهای بدن مادر و بزغاله با استثناء قسمت شانها، دستها و پاها که سطح آنها هموار و صاف و ساده نمایش داده شده از خطوط نقطه چین جناغی موازی تشکیل شده است. ناحیه شانها که بصورت مثلثی شکل نشان داده شده و سطح آن کاملاً صیقل و هموار است و در گوشه مثلثها موهای بدن بهم در پیچیده و بصورت نیم دایره های متحدالمرکز معرفی گردیده است. عضلات و ماهیچه های پاها و دستها با خطوط ساده نمایش داده شده اند. در نمایش و تنظیم این صحنه که کاملاً با حالت عادی و طبیعی حرکات حیوانا رطبیعت تطبیق مینماید هنرمند تسلط و مهارت خود را چه از نظر تناسب و دقایق و رموز طبیعت در حدی والا

لهور رسانیده است.

دقایق و رموز طبیعت در حدی والا

ردیف دوم یا بالاتر که

بعدی زندگانی این بز جوان میباشد

بسبب خاصی که با صحنه‌های سنتی و سابقه‌دار در تاریخ هنر دنیای باستان رابطه دارد تنظیم گردیده است. هنرمند در خلق این صحنه از شبکه و بافت موجود که متکی به سالیان دراز سابقه و تجربه است یاری گرفته و استعداد خویش را در این چهارچوب آشنا و معمول به گونه خاصی که متضمن خصوصیات فردی خود و مکتب‌های هنری مارلیک است تجلی داده است. این صحنه مقارن از دو بزکوهی جوان بوضع نیمرخ، در دو طرف يك درخت زیبای تزئینی، در حالت ایستاده بر روی پاها تشکیل گردیده است. این درخت تزئینی بنظر میرسد که از نظر مذهبی دارای اهمیت و احترام خاصی بوده و بصورت نمونه‌ای از درخت مقدس زندگی و حیات می‌باشد.

بزکوهی دارای دوشاخ مستقیم و نوک تیز بوده که بر روی آن دو گره که عموماً معرف دو سال عمر است مشاهده می‌گردد. گوشها مستقیم و چشمهای بیضی شکل نمایش داده شده‌اند. مانند صفحه ردیف اول موهای بدن حیوانات با خطوط نقطه‌چین جناغی موازی نمایش داده شده‌اند. دم بز جوان ابتدا بطرف بالا و سپس با يك زاویه تند بطرف زمین بحالت مستقیم نمایش داده شده و نردوار رشد و بزرگ شدن آن نسبت به حالت و سن حیوان ردیف اول می‌باشد.

درخت تزئینی شبیه به يك نوع نخل تزئینی با ساقه و بدنه‌ای بسیار قطور در سه قسمت تقسیم شده و هرچه بطرف بالا می‌رود نازک‌تر شده است. از بالای هر قسمت دوشاخه روئیده شده و اطراف بدنه در این قسمت بصورت حلقه‌های مارپیچ تزئینی نمایش داده شده است. سر هر يك از شاخه‌ها نیز بشکل حلقه‌های مارپیچ تزئینی تجلی نموده و احتمالاً نمایشگر گلهای درخت می‌باشند. پوست بدنه درخت بوسیله نوارهای خطوط موازی نمودی نمایش داده شده است.

شاخه‌های درخت نیز از قسم خود نیز با خطوط نقطه‌چین موازی تزئینی بطرز قرینه و در دو طرف تلف تشکیل شده که هر قسمت بنوبه آن است. در بالای درخت دو گل وسط وجود دارد. این شاخه‌ها و

گلها با خطوط جناغی موازی مزین شده‌اند. این نقوش جناغی قسمت قطور درخت را نیز در نزدیک ریشه زینت داده‌اند.

این نوع صحنه‌های متقارن شامل دوحیوان در دو طرف يك درخت مرکزی تزئینی دارای سابقه بسیار طولی در هنر دنیای باستان میباشد. ناگفته نماند با وجودیکه از نظر تنظیم صحنه بطور کلی يك حالت عمومی در تمام مدت وجود دارد، ليك موارد تکنیکی و هنری که جزئیات صحنه را تشکیل می‌دهند در هر دوره بمقتضای هنرخاص آن دوره و با خصوصیات هنری هر منطقه، تا اندازه‌ای متفاوت ساخته شده است. این تمایزات و خصوصیات منطقه‌ای و دوره‌ای است که بعنوان معیار و شاخص برای تعیین هویت هر يك از این صحنه‌های متقارن از نظر قدمت و موقعیت مکانی مانند راهنما و مفتاح مورد استفاده قرار میگیرند.

گروه بزهای متقارن بحالت بالارفتن در دو طرف درخت تزئینی، بیشتر در هنر تزئینی اواخر هزاره دوم و اوائل هزاره اول پیش از میلاد مسیح رایج بوده‌اند. از این نوع صحنه‌ها نمونه‌های زیادی که با تنظیم نقوش این جام مارلیک قابل مقایسه است در آثار باستانی مکشوفه در حفاریها بدست آمده و در اینجا فقط بشرح چند مورد که شباهت نزدیک تری دارند میپردازیم.

در حفاری سنجرلی (زنجرلی)^۱ يك لوحه بدست آمد که بر روی آن صحنه‌ای متقارن و مشابه با ردیف دوم نقش جام افسانه زندگی وجود داشت. در این صحنه که فقط از نظر نحوه نمایش جزئیات تا اندازه‌ای متفاوت است دو بزکوهی را در دو طرف يك درخت تزئینی در حالت بلند شده بر روی پاها نشان میدهد و قدمت این لوحه در حدود هزاره دوم پیش از میلاد تعیین گردیده است.^۲

در جام یا ریتون زیبائی که بشکل سرغزال ساخته شده و در نواحی شمال غربی ایران بدست آمده، و فعلا در يك مجموعه خصوصی در ایران وجود دارد،

صحنه مشابهی که بر روی آن دوز کوهی در حالتی که روی دوبا ایستاده اند و دو دست را روی بدنه درخت قرار داده اند مشاهده می‌گردد.

باستان‌شناسان تاریخ ساخت و نگارش این تصویر را، قرن هفتم تا هشتم پیش از میلاد میدانند^۲

درخت تزئینی وسط صحنه بر روی این جام دارای شاخه‌هایی کاملاً مسبک (استلیزه) می‌باشد که نمایشگر دوران‌های جدیدتری است که از این نوع صحنه‌های سنتی استفاده نموده‌اند.

جام تزئینی زیبای دیگری که از ماده آبی مصر^۳ ساخته شده و فقط يك قطعه شکسته آن در حفاری حسنلو بدست آمده، بوسیله پروفیسور کرافورد^۵ و پروفیسور پورادا^۶ در حدود قرن نهم پیش از میلاد مسیح تاری گذاری شده است^۴ دکتر دایسون^۸ رئیس هیات حفاری حسنلو اظهار می‌دارد که از نظر هنری ارتباطی بین نقوش این جام حسنلو با هنر آشوری مشاهده می‌گردد^۷. ناگفته نماند ارتباط این جام مکشوفه در حسنلو با نقش ردیف دوم جام افسانه زندگانی مارلیک بقدری است که نفوذ و ارتباط هنر مارلیک را با منطقه اطراف دریاچه رضائیه یعنی محل حفاری تپه حسنلو در نزدیک نرده کاملاً معرفی نموده و با توجه به قدمت، سابقه، کیفیت و مرکزیت مکتب هنری مارلیک شاید بتوان نفوذ و ارتباط مکتب هنری مارلیک را در سطح وسیع‌تری با حسنلو و آشور ملاحظه نمود. نباید فراموش نمود که نفوذ مکتب هنری مارلیک احتمالاً در اثر لشکر کشی‌های متعدد و پیایی که سلاطین آشوری بدین منطقه نموده و با خود اشیاء نفیس و ارزنده و همچنین هنرمندان و صنعتگران طراز اول را برای خدمت در دربار خود به‌مراه برده‌اند گسترش یافته است. بنابراین شاید بتوان اصل و سرچشمه هنر حسنلو را بیشتر در قسمت نواحی شرقی این منطقه یعنی ایران که در این زمان

بدون شك یکی از مراکز بزرگ تولید اشیاء فلزی جهان باستان بوده است و از نظر کیفیت تکنولوژی و همچنین ظرافت و خلاقیت هنری در حد بسیاروالائی میباشد، جستجو نمود.

همچنین صحنه‌ای مشابه شامل دو بزکوهی، در حال بالا رفتن از يك درخت، در حفاری زینجرلی بدست آمده که بوسیله پرفسور بوسرت^{۱۰} به قرن نهم پیش از میلاد مسیح نسبت داده شده است.^{۱۱} تعداد چند صحنه از گروه متقارن بزهای کوهی در دو طرف درخت تزئینی، در نقوش برجسته قصر آشورناز برپال در نيمرود در حاشیه تزئینی لباس پادشاه مشاهده میگردد.^{۱۲}

همچنین بر روی جعبه‌ای که در قسمت جنوب شرقی قصر آشورناز برپال بدست آمد، نیز صحنه‌ای مشاهده میگردد که مربوط به قرن نهم پیش از میلاد است.^{۱۳}

دو نمونه دیگر از این نوع صحنه‌های متقارن یکی بر روی يك سینه‌ریز زیبا در زیویه^{۱۴} و دیگری بر روی يك مهر استوانه‌ای که در مجموعه لایارد^{۱۵} وجود دارد و به وسیله پرفسور وان بیورن^{۱۶} در حدود قرن هشتم پیش از میلاد تاریخ گذاری شده است.^{۱۷} نمونه دیگری بر روی شمعدانی که در حفاری کوبان بدست آمده و اکنون در موزه آرمنیاز می باشد مشاهده می گردد. این شمعدان بوسیله پروفیسور ستووتسف^{۱۸} به دهنر ساگاها، در حدود قرن ششم پیش از میلاد نسبت داده شده است.^{۱۹}

در ردیف سوم همانطور که در بالا نیز اشاره شد نقش يك گراز وحشی در حال حرکت شش دفعه در دورتادور جام تکرار شده است. موهای بدن حیوان بوسیله نوارهای افقی خطوط جناغی موازی نمایش داده شده و یال خشن پشت گردن و ادامه آن بر روی پیشانی بنحوی چشم گیر و قابل ملاحظه بوسیله خطوط کوچک مستقیم و موازی عرضه گردیده است. گوشها کاملا نوک تیز و بطرف پشت جهت گرفته و چشمها بشکل بیضی ساخته شده اند. دندانهای نیش، پوزه و عضلات

دست و پا بوسیله خطوط ساده در نهایت تناسب نمایش داده شده‌اند.
ردیف چهارم یا ردیف بالای نقش که معرف آخرین صحنه داستان
زندگانی این بزکوهی میباشد جالبترین صحنه جام را از نظر هنر و تکنیک معرفی
مینماید.

در این صحنه لاشخورها در حال دریدن و خوردن جسد بزکوهی که بر-
روی زمین نقش بسته است میباشند. بالهای پرندگان هر کدام به چهار ردیف
تقسیم شده که سه ردیف آن كوچك و ردیف چهارم بزرگتر میباشد. هر پر بال از
يك مثلث طویل که معرف قسمت سخت پر در وسط و در دو طرف آن قسمت
نرم پر بصورت ردیف جناغهای موازی نمایش داده شده است. پرهای ناحیه
گردن و پاها بصورت خطوط ریز هلالی شکل متعددی که بر روی یکدیگر قرار
گرفته و رویهمرفته شبیه به فلس ماهی میباشند عرضه شده است.

چشمها، پنجه پاها و منقار لاشخورها از خطوط ساده تشکیل شده‌اند.
لاشه بزکوهی بر روی زمین در حالت دراز کشیده بر پشت قرار گرفته و سطح بدن
با خطوط نقطه چین که معرف موهای بدن میباشد پوشیده شده است. شاخ حیوان
با انحنای زیبایی بطرف پشت پا یازده گره که معرف سن حیوان در یازده سالگی
است نمایش داده شده است.

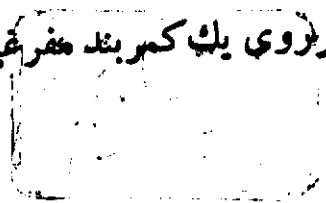
بدن جنین یا میمون که بحالت نشسته در مقابل گیاه کوچکی قرار گرفته با
نوار خطوط نقطه چین که از نقطه‌های مطولی تشکیل گردیده اثر مشاهده می‌گردد
ولی سطح قسمت دستها و پاها بدون تزئینات و ساده نمایش داده شده و کاملاً
شبهت بهمان روشی دارد که در نمایش دستها و پاها و شانه بدن بزکوهی بکار
رفته است. چشم جنین بصورت بیضی شکل و ساده نمایش داده شده است. بدنه
درخت یا گیاه کوچکی که در جلوی جنین قرار گرفته از خطوط هلالی شکل شبیه
به فلس ماهی پوشیده شده و دو شاخه از وسط بدنه درخت در بالا روئیده شده
است.

لاشخورها که عناصر اصلی این صحنه را نمایش میدهند هم در حال نشسته و هم در حال پرواز نمایش داده شده‌اند. صحنه‌های مشابه دیگری که معرف لاشخورها میباشند در حفاریهای باستان شناسی کشف گردیده است. مثلاً بر روی يك نقش برجسته آشوری که در سالن شماره سی و سه قصر سنا خریب پادشاه آشوری (۶۸۱-۷۰۵ پیش از میلاد مسیح) در نینوا حفاری شده لاشخوری که در حال خوردن يك جسد ایلامی است مشاهده میگردد^{۲۰}.

این صحنه نبرد که دیوار کاخ سناخریب را تزئین مینموده معرف پیروزی آشوریها برای ایلامیها بوده و جسد يك سرباز ایلامی بر روی زمین مشاهده می‌گردد. صحنه مشابه دیگری که در سالن شماره ۱ کاخ آشوربانپال در نینوا وجود دارد لاشخوری را در حال خوردن جسد یکی از افسران ایلامی بنام ایتونی^{۲۱} که بوسیله آشوریها کشته شده مشاهده میگردد^{۲۲}. در قسمت دیگری لاشخوری با بالهای گشوده در صحنه‌ای که سوارکاران آشوری در حال تعقیب قشون او را رتوئی هستند در قصر جنوب غربی تیگلات پیلزار سوم (۷۲۷-۷۴۵ پیش از میلاد) در حفاری نیمرو د بدست آمده است^{۲۳}.

نقش برجسته دیگری بر دیواری در تل حلف آشکار گردیده و شامل پرنده بزرگی است که بوسیله پروفوسور ویرا^{۲۴} شتر مرغ تفسیر گردیده^{۲۵} ولی از نظر تکنیک شباهت به نقش مارلیک دارد. پروفوسور ویرا اظهار میدارد که این نقش تل حلف از هنر آشوری اقتباس شده و قدمت آنرا در حدود قرن نهم یا هشتم پیش از میلاد تعیین نموده است^{۲۶}.

نقش لاشخور در آثار باستانی مکشوفه در مغرب ایران در منطقه لرستان نیز مشاهده میگردد. بر روی يك تیردان که در لرستان کشف شده و در مجموعه جان پال باربر^{۲۷} قرار دارد نقش لاشخورهایی در حالت نشسته (از نظر روش ساخت شباهت نزدیک ندارد) مشاهده میگردد. قدمت این تیردان در حدود قرن هشتم یا هفتم پیش از میلاد تعیین گردیده است^{۲۸}. بر روی يك کمر بند مفرغی که



احتمالا در لرستان بدست آمده و فعلا در موزه پیش از تاریخ و آغاز تاریخی برلن میباشد نقش لاشخورهایی مشاهده میگردد. این کمر بند بوسیله پروفور ناگل به تمدن لرستان نسبت داده شده است.^{۲۹}

این ردیف های نقوش که تمام سطح جام افسانه زندگی را فرا گرفته اند در بالا نزدیک لبه و در پائین نزدیک کف بوسیله یک نوار تزئینی محدود گردیده اند. این نوار تزئینی از یک زنجیر هندسی شکل چهار بافت موازی ترکیب شده و بوضع جالبی تزئین گردیده است.

این نوع حاشیه تزئینی در لبه و یا پائین بیشتر جامهای نفیس مکشوفه در مارلیک مورد استفاده قرار گرفته است. نوارهای تزئینی بافته زنجیری بر روی آثار دیگری چه در حفاریهای ایران و چه نقاط دیگر خاور میانه و خاور نزدیک مشاهده میگردد. بر روی یکی از مهرههایی که در موزه آشمولیان در اکسفورد انگلستان وجود دارد حاشیه ای قابل مقایسه با نقش مارلیک وجود دارد. این مهره بوسیله پروفور هوگارت^{۳۰} جزء مهره های هتی طبقه سوم گروه اول مشخص شده و تاریخ آن به هزاره دوم پیش از میلاد نسبت داده شده است.^{۳۱} بر روی مهر دیگری که بوسیله پروفور فرانکفورت در گروه اول^{۳۲} و دوم^{۳۳} مهرهای منطقه سوریه و همچنین مهره دیگری که در گروه مهره های سوریه، هتی که هر دو در حدود اواسط هزاره دوم پیش از میلاد میباشند^{۳۴} حاشیه تزئینی مشابه زنجیری مشاهده میگردد.^{۳۵}

کف جام با نقش تزئینی خاص حصیر بافت که در بین جامهای مارلیک منحصر و فقط بر روی این جام تجلی نموده تزئین گردیده است. دور تا دور این نقش حصیر بافت را یک نوار نقوش موازی جناغی محدود نموده است.^{۳۶}

حواشی

- 1- Zinjerli
- 2- T.D.K. Contenau, Georges, Les Tablettes de Kerkouk et origines de la Civilisation Assyrienne, extrait de Baby - loniaca, tome IX, fasc 2.4. Librairie Orientaliste, Paul Geuthner. 1926. p.29-30. Fig .12.
3. P O. A. G. Ghirshman, Roman, Persia from the Origin to Alexander the Great, translated by Stuart. Gilbert and James Emmons. The Art of Mankind, edited by Andre Malraux and Georges Salles. Thames & Hudson, 1964. p 328. Fig.404.
- 4- Egyptian Blue
- 5- Prof. E. Vaughn Crawford
- 6- Prof. Edith Porada
- 7- Crawford, E. Vaughn, "Hasanlu 1960", The Metropolitan Museum Of Art Bulletin, Nov. 1961. p. 90 Fig 5.
- 8- Dr. Robert Dyson
- 9- A.I. Porada, Edith, Alt Iran. Die Kunst im Vorislam- ischer Zeit, Kunst Der Welt Holle Verlag. Baden - Baden, 1962. p. 114.
- 10- Prof. Bossert
- 11- Dyson. Robert, Jr. "The Hasanlu Project". Science, Feb. 23, 1962.

- 12- A.S.A.N. Budge. Wallis, Assyrian Sculptures in the British Museum, Reign of Ashur - Nasir - Pal. 885-860 B.C., Oxford University Press. Amen Corner, E.C. 1914, Pl.I 2.
- 13- T.N.I. Barnett, R.D., The Nimrud Ivories, With examples of Ancient Near Eastern Ivories in the British Museum, The Trustees of the British Museum, London, 1957. Pl. XXXIII, pp. 7-8.
- 14- L.T.D.Z. Godard, André, Le Trésor De Ziwiye (Kurdistan), Publications du Service Archéologique de l'Iran, 1950. p.23. Fig.13.
- 15- Layard
- 16- Prof. Van Buren
17. S.S.H.L. Van Buren, E. Douglas, "Seals of the Second Half of the Layard Collection", Orientalia. Vol.23, Rome 1954. Pl. XXIII, Fig. 14, p. 110
- 18- Prof. Rostovtzeff
- 19- I.G.S.G Rostovtzeff, Mikhail Ivanovich, Iranians and Greeks in South Russia, Clarendon Press. Oxford, 1922. Pl. VIII, No.1.
- 20- A.P.R. Barnett, R.D., The Assyrian Palacc Reliefs and Their Sculptures in the British Museum, Batchworth Press, London, 1960. Pl. 124, p. 31.
- 21- Ituni
- 22- A.P.R. pl. 128, p.31
- 23- S.T.P. Barnett. R.D., and Falkner, M., The Sculpture of Assur-Nasir-apli, II (883- 859 B.C.) Tiglath - Pileser III (745-727B.C) Esarhaddon (681-669 B.C.), from the central and southwest Palaces at Nimrud, Trustees, of the British Museum 1962, Percy Lund, Humphries, London and Bradford, .Pl. LXVII, p. 26, 117

- 24- Prof. Vieyra
 25- H.A Vieyra, Maurice, Hittite Art, (2300-750 B.C.).
 Alex Turanti, London, 1955, pp 82-83.
 26- H.A., p. 49
 27- Jean Paul Barbier
 28- Kunstschatze aus Iran, Kunsthaus Zurich, 1962.
 29- Prof. Nagel
 30- A.O.K. Nagel, Wolfram. Altorientalisches Kunsthand-
 werk", Berliner Beitrage Zur Vor- und Fruhgeshichte, Band
 5. Walter De Gruyter. Berlin 1963 Tafel XXIX-XXI - and
 Drawing 57, end of book.
 31- Prof. Hogarth
 32- H.S., Hogarth D.G. Hittite Seals with particular
 reference to the Ashmolean Collection Clarendon Press, Oxford,
 1920. Pl. VI 166, pp. 35; Pl. VII: 196a, pp 38,95.
 33- C.S. Frankfort. H. Cylinder Seals, Mecmillan, London,
 1939, P. XLI f. h, Pl. XLII, m-n Chronological Index. p.329.
 34- C.S. pl. XIII m-n. Chronoldical index, p. 329.
 35- C.S. W.A., Ward, William Hayes, The Seal Cylinders of
 Western Asia, The Carnegie Inst. Washington. D.C., 1910. pp.
 280-281, Fig. 854 - 855.
 36- Negahban. Ezat O. Preliminary Report of Marlik
 Excavation, 1964.